



16 سپتمبر 2022

داکتر سید عبدالله کاظم

## نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان

محمد نادرشاه از پادشاهی تا شهادت

(بخش هشتماد ویکم)

تشکیل شورای ملی:

قدم اول در جهت تأسیس شورای ملی در زمان سلطنت شاه امان الله غازی گذاشته شد و نظامنامه آن در سومین لویه جرگه آن عصر بتاريخ 5 سنبله 1307 (9 آگست 1928) در جمعاً 7 ماده به تصویب رسید و اكمال جزئیات آن به مجلس جداگانه مرکب از یک نفر از وکلای هر ولایت موکول شد، اما با تأسف که حوادث بعدی و وقوع شورشها و سقوط سلطنت، زمینه تشکیل آنرا برهم زد. (برای شرح مزید دیده شود - آهنگ، پوهاند محمد کاظم: "سیر ژورنالیزم در افغانستان"، چاپ دوم، پشاور، 1378، صفحه 279 - 280، به نقل از: جریده امان افغان، شماره فوق العاده از جریان لویه جرگه 1307 منعقدہ پغمان)

وقتی محمدنادرشاه به سلطنت رسید و خط مشی خود را در ده فقره اعلام کرد، در فقره نهم آن در مورد شورای ملی آمده بود که: «وکلاي ملت از تمام اهالی بمرکز می‌رسند، صورت انتخاب بطور سابق بوده وکلا را اهالی از دانشمندان و علما و صادقان و بهی خواهان که ملت بر آنها اعتماد کلی داشته باشد، انتخاب خواهند کرد و وزرای دولت و حکام، مسئول وکلای ملت خواهند بود، ریاست شورا حق تفتیش خواهد داشت و رئیس شورای ملت از طرف وکلای ملت انتخاب میشود.»

طوریکه در مبحث قبلی تذکار رفت، محمدنادرشاه قبل از تشکیل شورا به تدویر لویه جرگه پرداخت که بتاريخ 18 سنبله 1309 در قصر استوردر شهر کابل تحت ریاست محمد هاشم خان صدراعظم دایر گردید و در آن جمعاً 525 نفر (از جمله 299 نفر اعضای انتخابی توسط مردم و 207 نفر اعضای انتصابی مشمول مامورین دولت و نیز 18 نفر اعضای کوردیپلماتیک به حیث سامع) اشتراک داشتند که از جمله مصوبات آن یکی هم لایحه "شورای ملی" بود. در همین لویه جرگه تصمیم گرفته شد که به تعداد 110 نفر از اعضای انتخابی لویه جرگه از مربوطات هرنائب الحکومگی و حکومت اعلی از بین 299 نفر برای عضویت دوره اول شورای ملی انتخاب شوند. (اسمای نمایندگان انتخابی برای شورای ملی دیده شود در کتاب: "آئینه شوری"، تألیف: محمد محسن صابر هروی، جلد اول، ناشر: ریاست اطلاعات و ارتباط عامه ولسی جرگه، کابل، 1386، صفحه 17 تا 21)

شورا اولین اجلاس خود را بتاريخ 14 سرطان 1310 (5 جولای 1931) یعنی 10 ما بعد از ختم لویه جرگه با ایراد بیانیة افتتاحیه محمدنادرشاه آغاز نمود. شورا در قدم اول به انتخاب هیئت اداری (متشکل از رئیس، دو نائب و دومنشی) پرداخت و عبدالاحد خان (مایار وردک) وکیل کابل که شخص بسیار معتمد شخص شاه بود، به حیث رئیس شورا انتخاب گردید. شورای متعاقباً به تدوین "اصول وظایف داخلی" پرداخت که در ماه عقرب 1310 به تصویب رسید. (متن مکمل "اصول وظایف داخلی شورای ملی" دیده شود، مأخذ بالا...، صفحه 68 تا 75)

د پانو شمیره: له 1 تر 6

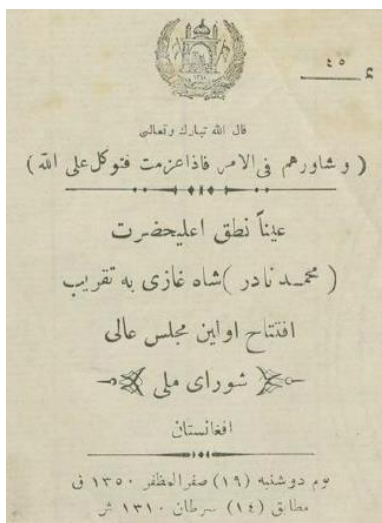
افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاډونه: دليکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

یکی از عمده ترین وظایف این دوره شورا، همانا تدوین مسوده قانون اساسی جدید بود، و اما قبل از آنکه به شرح این موضوع پرداخته شود، توجه را به بیانیه مبسوط و مهم محمدنادرشاه که به مناسبت افتتاح شورا ایراد کرد، جلب میدارم.

این بیانیه نسبتاً طویل به دونکته مهم متمرکز میباشد: در آغاز بطور عموم به اهمیت و نقش شورا در اسلام و در افغانستان اشاره میشود و در ادامه به ارتباط سیاست خارجی بیشتر به موضوع مهمی پرداخته میشود که در اذهان عامه چنان شایع بود که: محمد نادرشاه به کمک انگلیسها و بوسیله آنها به مقام سلطنت افغانستان رسیده و قبل از رسیدن به سلطنت، مبالغ نقد و اسلحه بنام قرضه از آنها دریافت کرده است. محمد نادرشاه در بیانیه خود کوشیده در رد این شایعات بپردازد. اینک نظر به اهمیت تاریخی این بیانیه، متن مکمل آن ذیلاً تقدیم میشود که از روی نشریه مخصوص حکومت تحت عنوان "عیناً نطق اعلیحضرت محمدنادرشاه غازی بتقریب افتتاح اولین مجلس عالی شورای ملی افغانستان"، یوم دوشنبه 19 صفرالمظفر 1350 ق مطابق 14 سرطان 1310 ش - عیناً اقتباس گردیده است:

آغاز بیانیه:



«بسم الله الرحمن الرحيم»

«این مجلس شورای اسلامی را بنام خداوند قادر و توانا که بخشاینده سعادت دنیا و آخرت است، افتتاح میکنم و از بارگاه ایزد متعال برای حکومت و ملت افغانستان توفیق میخواهم که بسایه شریعت مطهر حضرت محمد علیه الصلوة و السلام باین خاک پاک اسلام خدمات برگزیده ابراز کنند و بار دیگر در اعتلای کلمه الله و ترقی و تعالی افغانستان موفقیت و کامیابی جاوید حاصل نمایند.

عزیزان من! الحمد لله که بار دیگر افغانستان را از مصائب و نوائب نفاق و خانه جنگیها مصئون و مأمون می بینم و به خاطر آسوده و دل پر از امید شروع به تأسیس این مؤسسه "شورای ملی" مینمایم.

میخواهم معنی شورای ملی را به شما بدانانم: "شوری" یا به شما شرح کنم الحمد لله همه ما و شما مسلمان هستیم "مشوره" اساس کارهای ماست، ما بحکم قرآن عظیم الشان (وشاورهم فی الامر فاذا عزمتم فتوکل علی الله) مشوره کردن مکلف بودیم و هستیم و خواهیم بود. حضرت محمد علیه الصلوة و السلام در حل مسائل مشوره میفرمودند. خلفای راشدین رضی الله تعالی بمشوره کار میکردند، خلفای بنی امیه نیز مشوره میفرمودند، لیکن خلفای عباسی مشوره را اساس متینی برای پیشبرد امور قرار دادند و وکلای دربار خلفای عباسیه حاضر می بودند و حکومت تمام کارها را با وکلای ملت مشوره میکرد. بعد از خلفای عباسیه سلاطین اسلام مشوره را منافی قوت و اقتدار خود دیده باین اساس ترقی و تعالی کمتر توجه نمودند، بنابراین خیلی دوره های انقراض و تغییر و تبدل در عالم اسلام واقع شد.

در افغانستان مشوره از قرنهای مدیدی به این طرف دوام میکند، چنانچه جرگه های افغان ها را، حاکم عادل ملت افغانستان گفته میتوانیم. برای ملت ما مشوره چیز نو نیست، سلاطین گذشته اگر به مشوره ملت کار نکرده باشند، لیکن ملت در قبایل و عشائر خویش جرگه خودشان را تا امروز متروک قرار نداده اند و حکم جرگه در قبایل و عشایر نافذ است. امان الله خان شورای دولت تشکیل کرد وکلای ملت بمرکز حاضر شدند، لیکن آن شورا با جرگه افغانستان مفید ثابت نشد!

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

خیر! از خدا می‌خواهم که بار دیگر آنچنان واقعات سیاه در افغانستان روندهد و این مؤسسه "شورای ملی" ما و شما را موقع و فرصت و درایت عنایت فرماید که تمام موجبات شکایات را از بین ملت و حکومت رفع نمایم تا ملت برغم سابق حکومت خویش را از ملت و خادم بهبود و ترقی کار مملکت بدانند. "شورای ملی" امروز مثل شوراهای سائرممل که بمرور ایام ترقی و اصلاحات بخود حاصل کرده یک نمونه ترقی شورا های سابقه ماست. اگرچه ملت تا امروز اینطور یک چیز را خواهش نکرده، لیکن چون من شورای ملی را اساس وسیله مخصوص اصلاح مملکت میدانستم و میدانم، روز اول در خط مشی خود اعلان کرده ام شکرالله که درین فرصت پر امن افغانستان به افتتاح آن موفق شدم.

وقتیکه شما قانون حقوق شورا را مطالعه کنید، واقف میشوید که شورای ملی امروز با شورا و جرگه های پیشترچه فرق دارد. اگر شما حقوق خویش را صحیح استعمال کنید و همیشه رفتار و روش حکومت را مراقب باشید و برای اصلاحات شورای ملی افغانستان بانی امنیت و مؤسس ترقی و تعالی مملکت خواهید شد. و به امید خدای عزوجل خانه جنگیها، نفاق و شقاق برای همیشه ازین وطن معدوم خواهد گشت و مسائل شخصی باعث زوال و اضمحلال این سلطنت اسلامی نخواهد شد و همه وقت این ملت آسوده خواهد ماند، تغییر و تبدیل سلطنت سبب انفصال ریشه های ترقی و تعالی ملک و مملکت نخواهد شد، همیشه زمامداران نیک و حکام صادق و محسن ملک و مملکت در افغانستان انتخاب خواهد شد، استبداد، بدعت پرستی و رشوت ستانی یک قلم در قلمروی این مملکت رونما خواهد گردید.

گفته میتوانیم روزیکه وکلای ملت در "شورای ملی" حقوق خود را شناختند و خیر و شر را از روی مفاد عمومی امتیاز کردند و اعراض تفرقه از میان رفع شد، از همان روز دوره سعادت افغانستان آغاز خواهد شد. خدا قادر است، رحیم است، کریم است! همانطوریکه افغانستان را به این فرصت کم از انقلاب خانه برانداز نجات داد و بملت افغانستان امنیت و عزت و توانائی و اتحاد سر از نو بخشید، از درگاه بخشایش ایزد مایوس نیستیم و امید واثق دارم که انقلاب گذشته آخرین دوره فطرت و نکیت ما ملت حساب خواهد شد و انشاء الله و تعالی برای همیشه خاتمه خواهد یافت و این روز افتتاح "شورای ملی" روز اول دوره سعادت افغانستان خواهد بود که تا ابد دوام خواهد کرد.

وکلای محترم ملت! مایوس نباشید، این چنین ادوار ظلمت را که ما و شما گذرانیدیم، تاریخ ملل عالم در حیات سائر ملل دنیا نشان میدهد بعد از هرسختی آسانی است و پس از هرتنزل ارتقا و اعتلا آمدنی است، بشرطیکه بندگان خدا از جاده حقیقت و انسانیت منحرف نشوند و عیب و هنر و اسباب تنزل را وسیله ترقی نشناسند.

فرزندان و برادران عزیز! من آنچه از اجراءات این دوره را می‌خواهم به شما بیان کنم، سیاست خارجی امروزه افغانستان است تا شما از سیاست خارجی حکومت امروزه خود خوبتر واقف و مسبوق شوید و باقی مسائل را که در ظرف یکنیم سال و چند ماه شده صدراعظم صاحب و وزراء بشما معلومات خواهند داد. می‌خواهم از ابتداء ورود خود به خاک پاک افغانستان و تا امروز آنچه با دول متحابه معامله و مکاتبه کرده ام، بشما اظهار کنیم تا بر شما سیاست خارجی من پوشیده نماند:

وقتیکه من در خاک افغانستان قدم گذاشتم، خودم شاه ولی خان و شاه محمودخان را در سمت جنوبی و محمد هاشم خان و محمد گل خان را در سمت مشرقی تعیین نمودم. درین موقع در سمت جنوبی آثار نفوذ سقویان ظاهر نبود و هیچ کس حکومت سقوی را اعتبار نمیداد، اما اینکه امان الله خان در حدود قلات و مقر با عساکر قندهار نمودار شد و دوباره عزم استیلائی کابل را باطراف و اکناف مشتهر گردانید، اهالی سمت جنوبی قدری متردد شدند و گمان کردند که من با برادران خود بطرفداری امان الله خان

خدمت میکنم، هر چند زیاد وانمود کردم که مطلب من شخصیت هیچ کس نیست و حتی خود من و برادران من برای اثبات شخصیت خود نیامده ایم، ما میخواهیم در افغانستان امنیت قایم شود و خانه جنگی از میان رفع گردد و هر شخص را که تمام قوم و ملت افغانستان به پادشاهی انتخاب کنند، همان شخص پادشاه شود. اما با آنهمه اصرار من اهالی سمت جنوبی باظهار من متردد بودند و مطمئن نشدند، چه من مجبور بودم که اعلان پادشاهی خود را بدون اعتراف و تصویب تمام اهالی افغانستان رد کنم.

هر چند در مواقع بزرگ و در اوقات ظهور ناکامی و شکست این مطلب را بمن تکلیف می نمودند و من نسبت بنام پادشاهی بنام خدای توانا توکل میکردم و مهربانی و لطف کردگار را بر امدادی که از نام پادشاهی بمن وانمود میشد، مرجح میدانم و میدانستم، تا اینکه در اکثر طبقات اهالی سمت جنوبی تشدد [تشتت] افکار تولید شد و سقویان در سمت جنوبی قدرت کامله یافتند. گردیز و اکثر حصه خوست و اورگون و غیره جاها را استیلا نمودند و من در این وقت اراده کردم تا از اقوام افغانیه سرحد آزاد استمداد کنم، میخواستم از قوم اورکزائی استعانت جویم، درین وقت راه مواصلت من و اورکزائی ها در دست انگریزها بود. بواسطه حاجی محمداکبر خان به حکومت انگریز داخل مذاکره شدم. حکومت بریطانیا موافقه نکرد، عذر غیر جانبداری را پیش کرده راه دادن اورکزائی را منافی اعلان و غیر جانبداری خود را وانمود کرد و به همین مضمون نامه حکومت بریطانیا بمن رسید که این نامه تا هنوز موجود است. باین همه مایوس نشدم و دست از کار نکشیدم. قوم باغیرت جاجی و هم یک حصه منگل احمدزائی در دست من بود، بالاخره فیصله کردیم که از قوم وزیر ی که برای امداد من و نجات افغانستان کمر همت بسته بودند و غیرت اسلامی و افغانی آنها بجوش آمده و استمداد کرده شود، وزیرها دعوت مرا پذیرفتند و به حضورم حاضر شدند. دولت بریطانیا برین مسئله بیشتر با من درشتی کرد و به حاجی میرزا محمداکبر خان برین مسئله بسیار اصرار نمود که باید وزیرها را از جاجی به وزیرستان خارج کنیم و واپس بفرستیم. و هم اعلانات مکتوبات خود را اسمی قندهار و اقوام قبائل آنولا بواسطه عبدالغنی خان از راه چمن فرستاده بودم. آنهمه دعوتنامه های من با اقوام قندهار و اچکزائی های غیرتمند رسید، اما خود عبدالغنی خان را حکومت هند مانع شد و انسداد سخت برای پیشرفت او نمود و او را در قندهار نگذاشت. همانست که بمجرد گرفتن اعلانات من اقوام و قبائل قندهار قیام نمودند و عرایض خوشوقت گردیدن شان نسبت به مجاهدات من و آمادگی شان در مقابل سقویان و اظهار استعداد شان باجرای اوامر من بسمت جنوبی برابم رسید. با وجود آن همه اعتراضات دولت انگریز همینکه حاجی میرزا محمداکبر خان را برای اظهار دلایل عدم امکان واپس فرستادن وزیرها به پاره چنار فرستادم، من و شاه ولی خان، شاه محمود خان و محمد گل خان را با دیگر سرکرده های اقوام وزیرها و یکعه جاجی و منگل احمدزائی و جدران و طوطاخیل و گردیزی برای محاربه کابل و لوگر اعزام نمودم. هنوز دولت بریطانیا بر دلایل عدم امکان واپس فرستادن وزیرها قانع نشده بود که خبر فتح کابل رسید.

خلاصه قبل از فتح کابل بین من و دولت بریطانیا بر مسئله مشارکت وزیرها خیلی تیره گی و پیچیده گی موجود بود. من به حکم تقدیر مجبور بودم که از هر قوم و قبیله افغان که امداد گرفته میتوانستم، تشبث میکردم. از من و زندگانی بجز نیم نفس چیزی باقی نمانده بود. تهدید دولت بریطانیا نسبت به مشارکت وزیرها و مظالم سقو در نظر من اهمیت داشت، زیرا عرصه حیات بر من تنگ شده بود. من با حیات و شرف با مرگ خود و خاندان خود را تصمیم کرده بودم. اهل غرض بعد از فتح کابل

پروپاگاندا می‌کردند که گویا مرا در موقعی که در سمت جنوبی بودم، دولت بریتانیا امداد داده است و من بدولت انگریز امتیازاتی داده‌ام.

من امروز بحضور شما وکلای ملت اعلان می‌کنم که من بجز فضل و رحم خدای قادر مطلق و فداکاری اهالی افغانستان بامداد هیچ کدام دولت اجنبی کابل را فتح نکرده‌ام. موفقیت من در نجات وطن بفضل خاص الهی و همت و غیرت عموم ملت افغانستان بعمل آمده است. آن اشخاص و اقوامی که با حکومت امانیه مخالفت داشتند و هم چنین آن وزراء و مامورین و عسکر و روحانیون و اعزّه ملت که با اعمال ضرر افزای شخص امان الله خان موافقت نداشتند، مسلم است که این عدم توافق آنها با او برای خیر وطن و سعادت ملت بوده میخواستند که او را از آن حرکات ناعاقبت اندیشانه شهرت پسندانه اش باز دارند که در آن ابداً لحاظ جذبات ملی و مذهبی کرده نمی‌شد، چنانچه به مشاوره چند نفر اشخاص کوتاه بین، ملت را از خود متنفر و اثر و رسوخ همه خدمتگاران وطن را که در مواقع مخاطره برای خیر جامعه باید خدمت می‌کردند، دور نمود.

عزیزان من! بنده خیلی متأثر شدم و قتیکه یاره سرائی مغرضین را شنیدم، سیاست من در افغانستان سر و راز ندارد، سیاست من در افغانستان سیاست آشکارا است. من می‌خواهم هر چیزی را بشما واضح کنم تا شما از هر چیزی واقف باشید و بکارهای بدانید.

وقتی که من در کابل رسیدم و شما ملت با اصرار و تأکید مرا پادشاه افغانستان انتخاب کردید، وزارت خارجه فوراً به تمام دنیا اعلان کرد و به جواب اعلان وزارت خارجه از همه دول متحابه تبریک شناسائی حکومت حاضره اعتراف و اعلان شد. سفیر کبیر دولت علیه ترکیه در کابل تشریف داشت و سفیر کبیر دولت بهیه شوروی نیز از همه اولتریکابل رسید، دول متحابه یکی بعد دیگر نمایندگان شانرا به دربار افغانستان فرستادند. من بنابر اصول و قواعد بین المللی تمام معاهدات را که حکومت سابقه با دول متحابه عقد کرده بود، تصدیق کردم. دیگر هیچ معاهده سری و علنی نه نموده‌ام.

البته سال گذشته بعضی از دول بما امداد کردند، چنانچه حکومت بهیه بریتانیا بدون کدام شرایط با افغانستان امداد کرد، این امداد عبارت است از یک لک و هفتاد و پنج هزار یوند قرضه بلاسود و ده هزار تفنگ و پنجاه لک کارطوس، و چون این امداد مرا از هر گونه آلیشات سری و علنی است و بدون شرایط است، من به ممنونیت قبول کرده‌ام. امان الله خان هم موترها و سیم های تلگراف و غیره اشیاء را از دولت بریتانیا قبول کرده بود و در جنگ ملا عبدالله پنج هزار تفنگ و کارطوس از حکومت هند گرفته است که این مسایل تا امروز اعلان نشده بود و هم در وقتیکه امان الله خان در لندن بود، از طرف دولت بریتانیا مبلغ نقد و ده هزار تفنگ و بعضی ادوات دیگر هدیه شده بود و امان الله خان آن هدیه دولت بریتانیا را قبول کرده بود.

من در سیاست خارجی آنچه کرده‌ام، واضح می‌گویم و بشما خاطر جمعی می‌دهم که حکومت من تا امروز امتیاز حقوقی به هیچ دولت نداده است و تا من زنده‌ام، انشاء الله بقلم من این طور چیزی امضاء نخواهد شد. من قطعاً در سیاست خارجی افغانستان آسرا نمی‌خواهم داشته باشم و هم حکومت و ملت خود را توصیه می‌کنم که موقعیت جغرافیائی افغانستان هیچ گاه سیاستهای سری را تحمل ندارد؛ از سیاستهای سری باید همیشه پرهیز کنیم.

بغیر از این اسلحه که دولت بریتانیا بما امداد کرده، ما هجده هزار تفنگ و یک کرور و هشتاد لک کارطوس از فرانسه قرارداد و خریداری کردیم که از آن جمله قیمت 9 هزار آن نقد پرداخته شده است و باقی را هم بمرور ایام می‌پردازیم. دولت آلمان هم بما وضعیت دوستانه نمود، چنانچه باقی مانده

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی



مبلغ قرض را که به امان الله خان داده بود، بما تسلیم کرد و اقساط تادیه قرض را از شش سال به هشت سال تمدید نمود. دولت آلمان پنجهزار تفنگ و پنجاه لک کارطوس بما داد و قیمت آنرا هم بهمان قرضه که به هشت سال ادا میشود، قبول کرد. در همین اوقات قریب پنجهزار تفنگ و پنجاه لک کارطوس علاوه ازین اسلحه که شرح داده ام، از انگلستان خریداری نمودیم و پول آنرا نقد تادیه کردیم. همچنان از دیگر دول متحابه برای افغانستان اسلحه باقیمت مناسب خریداری کرده ایم. معاهداتی که جدید عقد شده و در شرف تعاطی و سر دست ما است یا بمذاکرات آن داخل شده و می شویم. معاهده جاپان و افغانستان عقد شده است و در شرف تعاطی است. معاهده غیرجانبدارانه افغانستان و حکومت شوروی روسیه سر از نوعقد شده است. موافقه کمیسرهای سرحدی بین افغانستان و ایران عقد شده است. به معاهده تجارتي افغانستان و شوروی روسیه داخل مذاکره می شویم. در موافقه تبادلۀ پست با دولت روسیه داخل مذاکره می شویم. معاهده افغانستان و دولت علیه حجاز عنقریب تحت مذاکره می آید.

خلاصه آنچه شده و میشود، همه را بشما وانمود کردم و بار دیگر می خواهم به شما ظاهر کنم که مفیدترین سیاستی که در افغانستان تصور میشود و من همیشه دوام آنرا توصیه میکنم، این است که افغانستان باید بیطرف باشد و با همسایه های خود و تمام دول متحابه روش و سلوک خوب که منافی مفاد افغانستان نباشد، اجراء کند و همسایه های خود را عملاً یقین بدهد که افغانستان موازنه جانبین را کاملاً محافظه نموده و روش دوستانه و مساویانه با همسایه های خود دارد و خواهد داشت و این روش افغانستان برای خود افغانستان و برای همسایه های افغانستان مفید است.

راجع به اقوام سرحد آزاد: این مسئله ناگفته نماند که مسئله سرحد آزاد یک مسئله حاد سیاست افغانستان و دولت بریتانیا است. افغانستان راجع به سلوک و روش باهمی اقوام سرحد و حکومت هند از اندیشه فارغ نیست. میتوانم بگویم اقوام سرحد و ما از حیث مسلمانی و قومیت یک چیز هستیم. دولت بریتانیا شاید این همدردی اقدام سرحد را به افغانستان و افغانستان را به سرحد از سالهای دراز تجربه و مشاهده کرده است. ما به هیچ وجه ازین همدردی انکار کرده نمیتوانیم، چرا پیریشانی اقوام سرحد آزاد در افغانستان حتماً اثر می اندازد. ازین رو سعادت و رفاهیت اقوام سرحد آزاد همه وقت آرزو و خواهش ماست.

وکلای محترم! این است سیاست امروزه حکومت شما که برای تان شرح کردم تا شما بی کم و کاست از حقایق واقف باشید و درکارها دقیق شوید، هر مسئله را خوب بسنجید و فیصله کنید. بی پروائی در امور مملکت گناه عظیم است. شما مقدرات یک ملت بزرگ را درین مجلس فیصله میکنید که به سهو و خطای شخص شما حساب خواهد شد، خساره آن بیک ملت و مملکت عظیم الشان اسلامی عاید میشود، بسیار مدققانه و احتیاطانه در حل مسائل پیش شوید. مشاهده کردید که ناعاقبت اندیشی، امتیاز نکردن [تفریق] خیر و شر از طرف حکومت چه خساره عظیم بما وارد کرد. هر روز این ملت را دچار مشکلات ساختن بجز اینکه بگویم خیانت کردن است، دیگر چه تعبیر خواهم کرد.

چون حکومت متبوعه شما زیاده تر به مشوره اهمیت میدهد و میخواهد که دائماً مصدر چنان اجراتی شود که از آن رضای خالق و خوشنودی مخلوق حاصل و برطبق حسیات عمومی به همه ترقیات مطلوبه خود نائل شود. اینک بکمال مسرت امروز این مجلس عالی شورای ملی را افتتاح کردم و در نظر دارم که به فضل الهی جهت معاونت فکری شورای ملی و حصول دیگر مطالب عالی یک مجلس اعیان را هم در این جا تشکیل کنم.» (پایان بیانیه محمد نادرشاه) (ادامه دارد)